

# این فضا با فرهنگ ما بیگانه است

نگاهی انتقادی به فضای فیزیکی مدرسه با رویکرد تربیت اسلامی

علیرضا شایق، دکترای علوم قرآن و حدیث، معلم آموزش و پرورش استان کرمانشاه

به معماری فضای مدرسه نیز کشیده شده است و مدارس براساس معیارهای کمی مبتنی بر «آموزش»، طراحی شده‌اند. مدرسه‌های موجود در ایران را می‌توان به سه دسته استیجاری، تملکی و احداثی تقسیم کرد. مدرسه‌های استیجاری مهم‌ترین رکن مدرسه بودن، یعنی طراحی برای محیط آموزشی و پرورشی، را نداشته‌اند و با کاربری مسکونی یا اداری یا خدماتی ساخته شده و بعد برای مدرسه به اجاره داده شده‌اند.

مدرسه‌های تملکی، هم با مشکل مدرسه‌های استیجاری، یعنی طراحی‌نشدن برای کاربری آموزشی و پرورشی، روبه‌رو هستند. ضمن اینکه چنین مدرسه‌هایی، عموماً به دلیل قدمت، به‌طور عمومی فرسوده هستند. مدرسه‌های احداثی اگرچه از نظر

تسهیل یادگیری کودکان<sup>۲</sup> و سیر تحول معماری مدرسه‌های ایران در گذر زمان<sup>۳</sup> و الگوی اسلامی آموزش و مفهوم رضایتمندی در طراحی معماری مدرسه‌های ایرانی<sup>۴</sup>، همگی بیانگر نگاهی توصیفی نسبت به فضای آموزشی هستند یا حداکثر بایسته‌های فضای مدرسه را از منظر آموزشی و یادگیری نگریسته‌اند؛ نه آنکه نگاهی انتقادی به وضعیت موجود داشته باشند و نه اینکه از منظر تربیت اسلامی به آن پرداخته باشند.

در اغلب تعریف‌های موجود از مدرسه، آن را معادل محیط «آموزشی» دانسته و نقش پررنگ و مهم تربیت و پرورش را در آن نادیده انگاشته‌اند. حال آنکه مدرسه بیش از آنکه محیط «آموزشی» باشد، مرکزی است برای «پرورش»! این رویکرد از تعریف محیط آموزشی،

واژه «مدرسه» در فرهنگ ایران کاربردهای متعددی دارد. اما مدرسه به معنای امروزی آن که مکانی برای آموزش و پرورش عمومی است، در ایران بیش از ۱۳۰ سال عمر ندارد. اغلب پژوهش‌هایی که درباره فضای فیزیکی یا کالبد محیطی یا بافت شهری مدرسه‌ها در زبان پارسی انجام گرفته، ناظر به معماری قدیم آن‌هاست. البته در برخی پژوهش‌ها به نمونه‌هایی مانند فضاهای آموزشی از دیدگاه روان‌شناسی، تأثیر عوامل محیطی بر یادگیری و رفتار در محیط‌های آموزشی (ابتدایی) در شهر، و تأثیر عوامل فیزیکی کلاس بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان اشاره شده است.<sup>۱</sup> همچنین، عنوان‌های برخی پژوهش‌های دیگر، مانند نقش معماری و عوامل کالبدی محیط آموزشی بر

ساختمان تابع نقشه‌های سازمان‌های متولی بوده‌اند، اما با چند اشکال مهم و اساسی روبه‌رو هستند. نخستین اشکالی که در این مدرسه‌ها وجود دارد، مکان‌یابی آن‌هاست. وضعیت موجود نشان می‌دهد که برای مکان‌یابی مدارس نیازسنجی واقعی و نیز بررسی جامعی نسبت به بافت شهری انجام نشده است.

با افزایش جمعیت متوسط شهری، به‌ویژه در شهرک‌های پایگاه این جمعیت، شهرداری‌ها به فروش فضای عمودی شهر اقدام کرده‌اند و تراکم افقی به تراکم عمودی تغییر یافته است. این اقدام به افزایش جمعیت بسیار فشرده در محدوده‌هایی از شهر منجر شده که زیرساخت‌های شهری آن برای چنین جمعیتی پیش‌بینی نشده بودند.

مسئله بعدی نبود آینده‌نگری کافی در روزآمدی نظام آموزشی بود. به این معنا که اغلب مدرسه‌های ساخته‌شده یا پیش‌بینی‌شده در طرح تفصیلی شهرها در سال‌های پیش از انقلاب و دو دهه نخست پس از انقلاب، به آموزش و پرورش غیرفعال و نظری معطوف بود. به همین دلیل چندان توجهی به نیازهای تربیتی و فرهنگی از سویی و نیازهای آموزش حرفه‌ای و عملی از سوی دیگر نشد.

نبود ارتباط مبانی نظری تربیت اسلامی با ساختار معماری مدرسه‌ها و

بی‌توجهی به معماری به معنای واقعی آن در طراحی و ساخت مدرسه‌ها پس از انقلاب مشکل بعدی بود. به‌طور طبیعی، هر شیوه‌ای از معماری، علاوه بر دیدگاه و منظری که به جهان دارد، از مبانی نظری برخوردار است که براساس آن به طرح و نقشه بنای مدنظرش می‌پردازد. آنچه مسلم است، پیش از آنکه معماری صورت بگیرد، باید مبانی نظری تربیت اسلامی تدوین شود. این مهم، یعنی تدوین مبانی نظری تربیت اسلامی، ۳۳ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با عنوان «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» انجام شده است و این بدان معناست که برای ۳۳ سال، نگاه معماری فضای رسمی تربیتی کشور فاقد چنین مبنایی بوده یا آنکه هرکسی از مبنایی که تصور می‌کرده تربیت دینی بر آن استوار است، به معماری مدرسه‌ها نگرسته است. نقشه‌های تئوریک متولیان ساخت مدرسه‌ها براساس وسعت زمین، سرانه آموزشی و تراکم جمعیتی ساخته شده‌اند و با تصمیم‌های مدیران آموزش و پرورش یا نیازهای مبرم مناطق به دوره‌های گوناگون آموزشی، به‌راحتی از دبیرستان به دبستان، یا برعکس و یا از دخترانه به پسرانه و یا برعکس تغییر می‌یابند.

موضوع دیگر در این زمینه، غلبه و تسلط نگاه آموزش‌محور بر ساختار آموزش و پرورش کشور به‌طور عام و

## اغلب مدرسه‌های ساخته شده

### یا پیش‌بینی شده در طرح

### تفصیلی شهرها در سال‌های

### پیش از انقلاب و دو دهه

### نخست پس از انقلاب، به

### آموزش و پرورش غیرفعال و

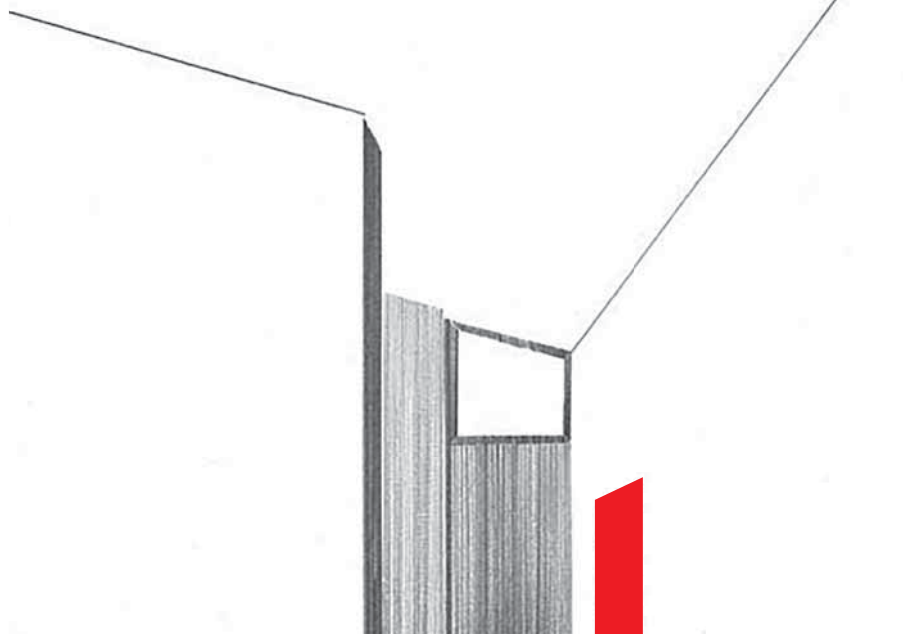
### نظری معطوف بود

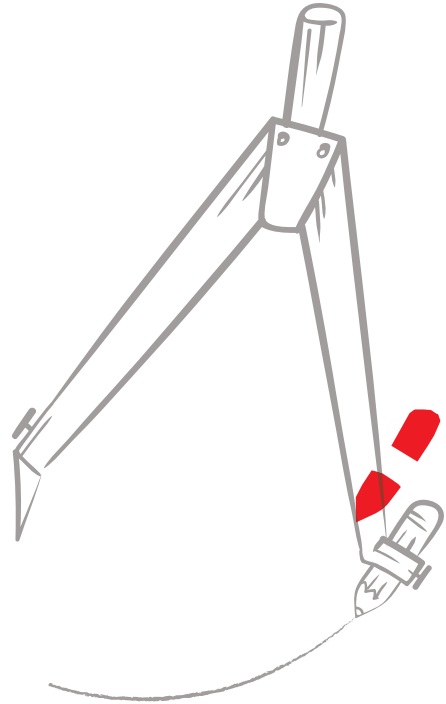


مدرسه‌سازی به‌طور خاص است. آنچه از مدیران، معلمان و عوامل اجرایی مدرسه طلب می‌شود، آموزش است و نه پرورش، که البته همین آموزش هم ترجمه‌ای است از محفوظات، نمرات و مدارک! وقتی این تلقی از ساختار آموزشی و پرورشی وجود دارد، به‌طور طبیعی، آنچه در مدرسه اولویت اول و مهم و ضروری است، «کلاس» درس است، نه کتابخانه و سالن ورزشی و آزمایشگاه و کارگاه و اتاق بازی! در کلاس درس هم، آنچه مدنظر است، تخته است و میز و صندلی و دیوار و پنجره و گرمایش و سرمایش، نه انسان (معلم و دانش‌آموز). اگر قرار است مدرسه و کلاسی ساخته شود، باید تعداد بیشتری دانش‌آموز را در خود جای دهد و سالن امتحانات بر سالن ورزش و کلاس بر اتاق مطالعه مقدم شود.

مسئله بعدی در فضای فیزیکی مدرسه، طراحی‌های یکسان و مشابه در تمام کشور، بدون توجه به وضعیت اقلیمی و فرهنگی مناطق است. گویی قالبی برای همه مدرسه‌ها طراحی شده و همه مدرسه‌ها از آذربایجان گرفته تا خوزستان و از ایلام گرفته تا خراسان، با تفاوتی بسیار ناچیز، در آن قالب ریخته و ساخته شده‌اند.

اگر به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به عنوان عالی‌ترین سند و مبنای وزارت آموزش و پرورش





مسئله بعدی در  
فضای فیزیکی مدرسه،  
طراحی‌های یکسان و  
مشابه در تمام کشور،  
بدون توجه به وضعیت  
اقليمی و فرهنگی مناطق  
است



بالادستی طراحی و ساخت مدرسه؛  
● توجه به مکان‌های تربیتی و  
خلاقیت‌محور و تقدم یادگیری فعال بر  
آموزش خشک و یک‌سویه در طراحی و  
ساخت مدرسه؛  
● پرهیز از جابه‌جایی مدرسه‌ها، بدون  
تغییرات محیطی متناسب با جنسیت و  
سن دانش‌آموزان؛  
● ایجاد زیرساخت‌های مناسب  
برای تغییر ماهیت کلاس‌های درس از  
آموزش یک‌سویه به محیط فعال و زنده  
آموزشی و پرورشی؛  
● نظارت بیشتر بر مدرسه‌های  
دولتی استیجاری و مدرسه‌های  
غیردولتی، برای تأمین فضاهای تربیتی  
و خلاقیت‌محور؛  
● طراحی فضای مناسب برای  
مطالعه، ورزش، بازی، تغذیه، نماز و  
پرهیز از اختصاص فضاهای نامناسب  
به آن‌ها؛  
● آینده‌پژوهی و بلندمدت‌نگری  
در طرح تفصیلی محلات و شهرها و  
روستاها و بازنگری در وضعیت موجود  
تغییر کاربری‌ها؛  
● توجه به نظرات کارشناسان  
آموزش و پرورش در صدور مجوزهای  
ساخت‌وسازهای عمودی در شهرها؛  
● تغییر استانداردها و معیارهای  
موجود طراحی و ساخت مدرسه‌ها با  
توجه به ضرورت‌های تربیتی؛

و نظام تربیتی کشور، نگاهی انداخته  
شود، برای مدرسه در افق چشم‌انداز  
۱۴۰۴ ویژگی‌هایی برشمرده شده است.  
اما سؤال این است که از سال ۱۳۹۰  
تاکنون، نهادهای متولی ساخت و  
طراحی مدرسه‌ها از منظر کلیت سند  
به‌طور عام و این ویژگی‌ها به بازنگری  
در طراحی و ساخت مدرسه‌ها اقدام  
کرده‌اند یا خیر؟

به نظر می‌رسد، با توجه به برخی  
مشکلات پیش‌گفته، این اقدامات در  
حیطه فضای فیزیکی و کالبد محیطی  
مدرسه‌ها ضروری است:

● توجه به اصول و مبانی معماری در  
طراحی و ساخت مدرسه؛  
● توجه به نیازهای تربیتی و تقدم  
آن‌ها در طراحی و ساخت مدرسه؛  
● بازنگری جدی در یکسان‌سازی  
فضاهای آموزشی و پرورشی و توجه  
به اقتضانات سنی، جنسیتی، محتوایی،  
بومی و اقلیمی برای ساخت و طراحی  
مدرسه؛  
● آسیب‌شناسی جامع مدرسه‌های  
موجود با رویکرد تربیتی، با تکیه بر  
اصول و مبانی تربیت اسلامی؛  
● استفاده از متخصصان تربیت  
اسلامی در تدوین اسناد و آیین‌نامه‌های

پی‌نوشت‌ها

۱. نقش معماری و عوامل کالبدی محیط آموزشی  
بر تسهیل یادگیری کودکان، ترکمان، مؤگان و  
جلیلیان، سارا و دژدار، امید، ماهنامه شباک (شبکه  
اطلاعات کنفرانس‌های کشور)، شماره ۱۸، بهمن  
۱۳۹۵، ص ۳.
۲. همان.
۳. سیر تحول معماری مدارس ایران در گذر زمان،  
سعیدی‌کیا، ندا، معماری‌شناسی، سال اول، شماره  
اول.
۴. الگوی اسلامی آموزش و مفهوم رضایتمندی در  
طراحی معماری مدارس ایرانی، عظمتی، حمیدرضا  
و نوروزیان ملکی، سعید و پورباقر، سمیه، مجموعه  
مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی،  
شماره ۷، پاییز ۱۳۹۴.

